



به درخواست فرمانده ارتش پاکستان و صلاحدید خودم، آتش بس رو تا هر وقت دلم بخواد، تمدید می کنم.

بایدن: بعد این به من می گه متوهم. اصلا این واسه چی با ایران می جنگه بعد آتش بسش رو با فرمانده ارتش پاکستان می کنه؟! 🤔

شهیار شریف: آقایانی خواین بیابین مذاکره، زود تر بگین دیگه. این چه وضعشه؟ من برنج کیلویی خدانومن خیس کردم. 🍚

عراقچی: ما هم هر وقت دلمون بخواد دوباره شروع می کنیم. 🤔

سعدی: تنه ترامپ هم به تنه برخی معلمای ادبیات خورده! حافظ یک چیزی می گفت، اینا یک چیز دیگه معنی می کردن! 🤔

خواججه حافظ شیرازی: شاخ نیات میان کلامتان. اگر برای ترامپ در جست و جوی شعرید، از اشعار حکیم ایرج میرزا استفاده کنید. ارزنده تر است. حقیر غزلی در وصف وی ندارد. 📖

سخنگوی قرارگاه خاتم الانبیا: فعلا برای شیرینی آتش بسی که اعلام کردی، توقیف این دوتا کشتی رو داشته باش تا بهت اوکولات هم بدیم. 🍫

جلیلی: آتش بسه؟ وا! سرکاره دیگه؟ داداش ما تازه کلی فیلم جنگی دانلود کردیم. 🎬

مسعود فراستی: ما دو سبک فیلم سازی در دنیا داریم: سبک پایان باز اصغر فرهادی و سبک تنگه بسته ترامپ. 🎬



سیگار بهمن در کاخ سفید!

من به عنوان گزارشگر گردشگر رسانه ای خود خوانده و خود مختار با کوله باری از تجارت، ببخشید تجارب در زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ورزشی، تصمیم گرفتم یکی دو ماه زودتر از مسابقات جام جهانی، عازم محل مسابقات شوم تا شما را از نزدیک با فضای آنجا آشنا کنم. ولی چون بودجه ام محدود بود، تصمیم گرفتم خیلی اقتصادی و حتی با روش های ابداعی خودم به آمریکا بروم. مثلا برای گرفتن ویزا ناچار شدم خودم را با جعل مدارک به عنوان میانجی مخفی مذاکرات آتش بس (فی المدت نامعلوم بسته به میل و توان موشکی ایران!) معرفی کنم. ترامپ هم از خدا خواسته، قبول کرد و توثیق زد یک مهمان ویژه دارم. دهنلق! من هم با مجموعه ای از مدارک جعلی رفتم آمریکا. هدف من دیدار با ترامپ نبود، فقط ورود به آمریکا و حاشیه نگاری از جام جهانی بود، ولی خب در بدو ورود، افسر امنیتی آمریکا مدارکم را چک کرد و سلام نظامی داد به من و با دستش مسیر حرکت موشک را به جای از پایین به بالا، از بالا به پایین نمایش داد! و من را تحت الحفظ و با اسکورت، بردند دفتر ترامپ. به محض ورود گفتم: «اینجا که بیضیه! من باید یه گوشه بشینم، تکیه بدم به پشتی واگه قلیون هم بود که دیگه کد بانوگری تون رو ثابت می کنین!» برخی سیاست مداران نشان از پشت

پرده سوت زدند که من به آن ها توجه کنم. گفتند: «شما فقط با ما کنار بیابین و آتش بس رو قبول کنین، می گیم اوس باراک بنا باییل و تیشه بیاد این بیضی رو گوشه دار کنه! باهیچ ماله ای هم درست نشه و اشما راضی بشین.» گفتم: «فعلا باید خستگی درکنم. بعدا بهش فکر می کنیم!» در این فکر بودم که اگر آقای عراقچی بفهمد من خودم را نماینده ایران جا زده ام، چقدر به این ها می خندد! خدا کند فقط توثیق نزنند!

به رسم سنت ایرانی، به عنوان سوغات، یک مشت تخمه آفتاب گردان ریختم کف دست ترامپ و گفتم: «مشغول باش، حوصله ت سر نره بین توثیق زدنا!» خوشش آمد! گفتم: «من خودم که تخمه ندارم، ولی روی تخمه های شما حاضرم سرمایه گذاری کنم!» گفتم: «الکی نیست که! باید فکر کنیم!» یک سیگار بهمن هم بهش دادم تا سیگار مضرکوبایی را ترک کند. بعدش هم از توی بینی ام دود حلقه دادم بیرون. خیلی خوشش آمد! گفتم: «شما خوب همه چی رو دود داد! به من یاد داد!» گفتم: «حالا اول باید تیممون که اومد جام جهانی، خوب ازش میزبانی کنین تا بعدش به پیشنهادهاتون فکر کنیم!» ترامپ داشت با سیگار بهمن (دقیقا برند بهمن بود اگر اشتباه نکنم!) خودش را خفه می کرد که صدای تظاهرات ایرانی ها از پشت کاخ سفید آمد! (ادامه دارد...)



سردار موسوی خطاب به مردم ایران:
از امروز به بعد هر جا شما مردم بگویید، هدف ما خواهد بود.

وزیر نیرو:
از تابستان امسال هر ساعتی که خواستید خاموشی داشته باشید، بگویید تا خودمان هر ساعتی که دوست داشتیم برقتان را قطع کنیم

یک نفت کش متقاضی عبور از تنگه خطاب به عوارضی های تنگه:
به هر روش شما، ساتنا، پایا یا نقدی که شما بگویید، پول را به حسابتان واریز خواهیم کرد.

فرمانده سنتکام خطاب به نظامیان آمریکا:
با این وضعیت تلفاتمان، هر نوع خاک، شن، ماسه که شما بگویید، به سرم خواهیم ریخت.

نتانیاهو خطاب به مردم اسرائیل:
از امروز که گنبد آهنی سوراخ سوراخ شده است، هر مدل گنبد حلبی، پلاستیکی، رویی کهنه، پلاستیک کهنه داری، بردار بیار!

ترامپ خطاب به مردم آمریکا:
از امروز به بعد هر نوع شکر قهوه ای یا سفید که شما مردم بگویید میل کنم، خوراک من خواهد بود.